

متن پرسش

سلام استاد: راجع به متن زیر نظرتان را بفرمایید: بسمه تعالی: به دو کوهه نرفتیم و از کنار او گذشتیم اما این قلبم بود که آنجا حضور داشت و حسرت عدم حضور، اشکم را جاری کرد ولی در عوض، به لطف خداوند به شوش برای زیارت حضرت دانیال رفتیم. این شهر، و علی‌الخصوص مرقد حضرت دانیال چه حضوری برای دل مؤمنین دارد! مستی عجیبی در این شهر به انسان دست می‌دهد، به‌واقع در محضر دانیال بودن دل را به شعی مملو از حیرت می‌اندازد. گفتنی نیست حال این دیار؛ بل، دیدنی‌ست، آن هم نه دیدنی از جنس دیدن عالم ماده که جز مشهورات و عادات، چیزی به چشم نمی‌آید؛ بلکه شهود و حضوری خاص که در تماشاگه راز، به قلب آدمی حاضر می‌شود و انسان را پله‌ای فراتر از این عادات می‌نشانند. بی‌دلیل نبود که استاد طاهرزاده‌اِسرار به حضور در این مضجع شریف داشتند زیرا عظمت این مکان مقدس، انسان را به مقام مستانگی می‌رساند. آری! بی‌حساب نیست که حضرت علی «علیه‌السلام» فرمودند: «زیارت برادرم دانیال به منزله‌ی زیارت من است». واقعا هیبت حضرت امیر «علیه‌السلام» در حضرت دانیال نبی، ظاهر و حاضر است. استاد می‌فرمودند یکی از عرفا چند بار سعی کرد قبر حضرت دانیال را زیارت کند ولی هیبت حضرت اجازه نمی‌داد تا این‌که سینه‌خیز به محضر ایشان رفت. واقعا جز حضور و ظهور جناب مولا امیر «علیه‌السلام»، چه کس این‌گونه می‌تواند حس تواضع را حتی در عارفی که اهل چشم باطن است، احیا کند و او را خاک‌نشین کوی خود کند. اگر بخواهم از تجربه‌ی وضع خود در ین دیار چیزی بگویم به محض حضور به محضر حضرتشان چنان بشاشیتی سراپای وجودم را گرفت که انگار قلب، تاب تحمل آن را نداشت و شعی این حضور، دل را به رقص، در سماء آقا علی «علیه‌السلام» آورده بود، و ناخودآگاه فریاد شادی سر دادم. اما غصه‌ام این است که هرچه بگویم هیچ نگفته‌ام جز این‌که حاجبی بر حضور نورانی آن اضافه کنم. چه درست گفت شمس تبریزی که... / من ناتوان ز گفتن و خلق از شنیدنش. چاره‌ای نمی‌دانم جز اینکه هرکه دریافت حال و هوا و شور و شعی آن بلند مرتبه را خواستارست باید به آن محل شریف مشرف شود تا درک آن مقام کند. و چه حیف است که کاروان‌های راهیان نور سلوک شهادتی‌شان را با زیارت مرقد مطهر حضرت دانیال کامل و منور نمی‌کنند! چرا که قطعاً رزمندگان اسلام و شهدای عزیزمان به واسطه‌ی ایشان نیز به محضر امیرالمومنین (ع) حاضر و آن سلوک معنوی را که باید تجربه می‌کردند، تجربه کردند تا «نجفی» دیگر را رقم زده باشند و از دُرستان‌شان، دُرّی و از تاکستان‌شان یاقوت انگوری، طلب کرده باشند. به امید روزی که با ظرفیتی هرچه عظیم‌تر شراب‌نوش حضرت دانیال نبی شویم و رقص مستانگی کنیم.

باسمه تعالی: سلام علیکم: در زیارت حضرت دانیال نبی، نوعی از زندگی معنوی در مقابل انسان گشوده می‌شود. لذا اگر سالک بتواند با استمرار در زیارت آن حضرت، آن نوع زندگی را کشف کند و در مشرب آن حضرت، بُعدی غفلت‌شده از سلوک را بیابد؛ در قیامت که شدیداً به آن نحوه حضور نیاز دارد، به دنبال چنین گمشده‌ای نمی‌گردد. باید مدتی مقیم آن بارگاه شد تا آرام‌آرام، راه گشوده شود و بتوان ذیل نور علی «علیه‌السلام» از چشمه‌ای که حضرت دانیال نبی نوشیده‌اند، نوشید. خود آن حضرت راهنما خواهند بود. دست ما را خواهند گرفت و به آن چشمه متصل‌مان می‌کنند. ما که یک‌مرتبه نمی‌توانیم به همه‌ی ابعاد مولایمان امام‌الموحّدین «علیه‌السلام» نزدیک شویم، شاید از این طریقه‌ها بشود آنچه باید بشود. موفق باشید